



## یادداشت

تاوان سنگین افکار علی خامنه‌ای برای مردم ایران

صادق کار



علی خامنه‌ای رهبر رژیم اسلامی در آخرین سخنرانی خود تلویحا از مذاکره کارگزاران رژیم با دولت ترامپ بدون اینکه نام آنها را به زبان بیاورد حمایت کرد و شرطی هم برای مذاکره مطرح نکرد. این سخنرانی در شرایطی انجام گرفت که موج گسترده‌ای از حمله به محمد جواد ظریف بواسطه سفر وی به داوس و سخنانی که متعاقب آن کرد در جریان بود. البته مخالفت طرفداران پایداری و جلیلی با ظریف که در واقع کارگزار واقعی رژیم در سیاست خارجی است مسبق به سابقه است. اما تعرض مخالفان این بار شدید تر بود و هدف آنها ظاهرا متوجه کنار گذاشتن ظریف از دولت بود. مخالفان چنین وانمود می کردند که گویا چرخش سیاست خارجی رژیم بدون اذن علی خامنه‌ای صورت گرفته و خامنه‌ای با این چرخش موافقت ندارد. البته این بهانه بود، آنها که خودشان از پشت صحنه سیاست در ایران و تغییر و تحول آن بهتر از دیگران اطلاع دارند، می دانستند که خود رهبر "فرزانه" و همه کار پشت این چرخش و حتی آوردن ظریف به دولت قرار دارد. بهمین جهت تأیید سیاست جدید توسط خامنه‌ای نه حکم آب سردی را داشت که روی سر این جریان تبهکار خالی شده باشد و نه آنها را شگفت زده کرد. ناراحتی و عصیان آنها بیشتر از این بود که ده‌ها سال چماقداری سیاستها و حرف های رهبر "فرزانه" را به عهده گرفته بودند، حالا ناگهان رهبرشان خلاف انتظارت شان عمل می کرد و پشت آنها را چون نوکران بی اختیار خالی کرده است. حملات پایداری چی ها به ظریف در واقع حکم خطاب قرار دادن درب را داشت تا دیوار(خامنه‌ای) بشنود.

خامنه‌ای در سخنرانی خود، خواست فعلا دهان این جماعت را ببندد و هم به طرف های امریکایی و اروپایی که سخنان آشتی جویانه ظریف و عراقچی را جدی نمی گرفتند، پیام دهد که از مذاکرات حمایت می کند و خیال آنها را که به درستی می گویند، تصمیم گیرنده اصلی همه ی امور خامنه‌ای است از این بابت آسوده کنند.

شکستهای پیاپی چند ماه گذشته سیاست های محوری خارجی رژیم که برآمده از تفکرات خامنه‌ای و نزدیکان وی است، عامل اصلی چرخش رژیم در سیاست خارجی است. این چرخش که از عادی سازی



مناسبات با عربستان و مصر یعنی نزدیکترین متحدان امریکا شروع شد معلوم بود که دیر یا زود به مذاکره، مستقیم با دولت امریکا می کشد.

گردش در سیاست خارجی گر چه از حمایت کامل اصلاح طلبان و محافظه کاران در داخل و خارج از کشور است، اما ابتکار دولت پزشکیان نیست و نمی توانست هم باشد. ابتکار از آن خود خامنه‌ای است و از دولت رئیسی بصورت آشکار و پنهان شروع شده بود. بنا بر این حتی اگر جلیلی به اصطلاح تندرو هم بجای پزشکیان رئیس جمهور می شد، از آنجا که طراح چرخش، خود خامنه‌ای است، دولت جلیلی نیز نمی توانست از انجام آن خودداری کند.

چرخش در سیاست خارجی در حالی در جریان است که پا به پای آن سرکوب در داخل تشدید شده است و دامنه آن ابعاد کم سابقه‌ای یافته است.

مبنای این سیاست همان "حفظ نظام از اوجب واجبات است" می باشد، که بدون سرکوب مردم میسر نبوده و نیست.

مهمتر از همه ی اینها اما فجایعی است که در اثر رهبری خامنه‌ای و کارگزاران رژیم بر سر ایران و مردم آن آمده و تاوان سنگین سیاستهای پرهزینه، ماجراجویانه و توسعه طلبانه آن را که از بدو امر هم معلوم بود عاقبتی جز شکست ندارد مردم باید با فقر و فلاکت خود بپردازند. چرخش اجباری خامنه‌ای نه بخاطر منافع مردم و کشور، بلکه تلاشی است، برای نجات رژیم از فروپاشی. نا گفته پیداست که نتیجه چنین مذاکراتی که در شرایط ضعف و استیصال صورت می گیرد، چه کسانی خواهند بود. بقای چنین رژیم و سیستمی جز تشدید بحرانهای فاجعه بار، سرکوب، فقر و فلاکت نخواهد داشت. بهمین جهت این مذاکرات نباید خللی در اراده نیروهای ترقی خواه و دمکراتیک برای سرنگون کردن این رژیم از طریق انجام انقلاب دمکراتیک ایجاد کند. خامنه‌ای و بقیه کارگزاران اصلی رژیم اش بخاطر فجایع و خساراتی که به مردم و کشور وارد کرده‌اند باید محاکمه و مجازات شوند و دم و دستگاه رژیم فاسد شان از بیخ و بن برچیده شود

**از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن  
بپیوندید!**

**ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!**

**برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران  
و مزد و حقوق بگیران!**



برابری جنسیتی در محیط کار بخش هفتم

فیضا علی



## 6. رویکردهای ترویج برابری جنسیتی در محیط کار

در چند دهه گذشته، در کشورهای صنعتی روندی فزاینده در جهت ترویج فرصت‌های برابر به منظور جذب زنان ماهر و در عین حال بهبود تصویر عمومی وضع زنان مشاهده شده است. با این حال، برای دستیابی به این هدف از رویکردهای متفاوتی استفاده شده است. به عنوان مثال، جوسون و میسون برای توضیح این موج تغییر مفهوم ایدئولوژی‌های تغییر رادیکال و لیبرال را به میان آورده اند. کوکبرن نیز مفهوم ایدئولوژی تغییر تحول‌آفرین را مطرح کرده است. مجموعاً این سه ایدئولوژی چارچوبی را تشکیل می‌دهند که سازمان‌های مختلف مبتنی بر آنها عمل می‌کنند. در ادامه، هر یک از این ایدئولوژی‌ها بررسی می‌شود.

### 6.1 رویکردهای لیبرال

رویکرد لیبرال ناظر بر فرصت‌های برابر شغلی در سازمان‌ها، بر حذف سیاست‌ها و رویه‌های تبعیض‌آمیز در استخدام متمرکز است. این رویکرد تلاش می‌کند شرایط و ضوابط استخدامی برابری را برای زنان و مردان فراهم آورد. طرفداران رویکرد لیبرال، زنان و مردان را از نظر موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی کنونی شان برابر می‌دانند و هیچ تفاوتی میان آنها قائل نیستند. آنها استدلال می‌کنند که شیوه‌ها و سیاست‌های استخدامی باید برای زنان و مردان یکسان باشند. کار استراو در زمینه فرصت‌های برابر شغلی بر رویکرد لیبرال استوار است. او برابری را در سازمان‌ها در سه سطح تعریف می‌کند: فرصت‌های برابر در مرحله استخدام، دسترسی برابر در مرحله گزینش، و سهم برابر در سلسله مراتب سازمانی. این استدلال، به عنوان استدلال شاخص رویکرد لیبرال، بر فرض بیطرفی جنسیتی بنا شده است، از این رو می‌توان گفت که این رویکرد تمایل دارد نابرابری‌های ساختاری در اشتغال را که ریشه در سنت‌ها، تاریخ و فرهنگ دارند، نادیده بگیرد یا به سادگی بر آنها چشم ببندد. برای مثال، در این رویکرد پدرسالاری و نهادهای مبتنی بر آن، که عمیقاً در برخی از سنت‌های دینی ریشه دوانده اند، بسیار محدود مورد توجه قرار می‌گیرند.

در چند دهه گذشته رویکرد لیبرال در ایالات متحده، استرالیا و برخی کشورهای اروپایی در ارتباط با فرصت‌های برابر شغلی به کار گرفته شده است. در دهه ۱۹۹۰، استدلال اقتصادی برای فرصت‌های برابر شغلی در عرصه کسب‌وکار در آمریکا مطرح شد و رویکرد لیبرال را به ایدئولوژی جریان اصلی سرمایه‌داری وارد کرد. تمرکز این رویکرد بر متقاعد کردن مدیران است دایر بر این که برابری سودآور است، و فرض آن نیز این است که که کارفرمایان تصمیمات مربوط به استخدام، گزینش و توسعه شغلی را صرفاً بر اساس ملاحظات اقتصادی می‌گیرند.



## 6.2 رویکرد رادیکال

رویکرد رادیکال، مشخصاً در ایالات متحده و استرالیا، برخلاف دیدگاه لیبرال دایر بر فرصتهای برابر شغلی، میان گروه‌های مسلط، مانند مردان سفیدپوست طبقه متوسط و بدون ناتوانی جسمی، و گروه‌های فرودست - مانند زنان، اقلیتهای قومی و افراد دارای معلولیت - تمایز قائل می‌شود. این رویکرد، ساختارهای سازمانی و اجتماعی موجود را به چالش می‌کشد و به دنبال برابری برای گروه‌های محروم بر اساس اصول اخلاقی و عدالت‌محور است. سازمانهایی که به دنبال اجرای فرصتهای برابر شغلی از طریق رویکرد رادیکال اند، معمولاً از اقدام تبعیض مثبت و سیاستهای جبرانی به عنوان ابزاری رایج استفاده می‌کنند. این رویکرد مردان و زنان را از نظر هویت‌های زیستی و اجتماعی اساساً متفاوت از یکدیگر در نظر می‌گیرد. رویکرد رادیکال بر حضور محسوس زنان و مردان در محیط کار تأکید دارد و به دنبال از بین بردن موانع پیشرفت برای گروه‌های محروم است. این رویکرد معمولاً توسط سازمانهایی که ملاحظات و ارزش‌های قوی سیاسی و اخلاقی دارند، اتخاذ می‌شود.

آدلر و ایزرائلی در رویکرد تغییر رادیکال برای اشتغال زنان سه مرحله را تشخیص داده اند و متمایز می‌دانند: تشخیص سهم متمایز زنان و مردان، ۲- ایجاد شرایطی که امکان ارائه و ارزشگذاری بر سهم زن و مرد را ۱- در سازمان فراهم کند، ۳- یافتن راه‌هایی برای ترکیب سهم زن و مرد جهت ایجاد فرآیندهای مدیریتی مؤثرتر و ارائه راه‌حلهای قوی‌تر برای مشکلات سازمان

از آنجا که هدف رویکرد رادیکال بهبود موقعیت زنان و هم‌سطح کردن آنها با مردان است، لاوری استدلال می‌کند که اقدام تبعیض مثبت به نقطه مرکزی مخالفت بسیاری از مردان سفیدپوست تبدیل شده است. با این حال، هیچ شاهدهی وجود ندارد که نشان دهد زنان توانسته‌اند قدرت مردان طبقه متوسط را از آنان سلب کنند یا حتی برتری آنها را در محیط کار به چالش بکشند. در مقابل، واتسون استدلال می‌کند که سیاست‌های فرصت برابر معمولاً «سازشی است که تفاوت‌های زنان و مردان را به رسمیت می‌شناسد، اما سعی می‌کند این تفاوت‌ها را با فراهم کردن امکان ورود بیشتر زنان به دنیای مردان کاهش دهد.» واتسون بر این باور است که ساختار سازمان‌ها باید به گونه‌ای تغییر کند که این تفاوت‌ها دیگر به عنوان مانعی برای اشتغال زنان عمل نکنند.

تبعیض در تصمیمات استخدامی پدیده‌ای پیچیده در حیات سازمانی است. اعضای گروه‌های تحت تبعیض، مختلفی که ممکن است داشته باشند، انواع و سطوح (Intersectional) به دلیل ویژگی‌های میان‌بخشی متفاوتی از تبعیض را تجربه می‌کنند. بهبود وضعیت یک گروه لزوماً به معنای ایجاد فرصت‌های برابر برای سایر گروه‌ها نیست. به گفته دیلی «تبعیض مثبت نوعی "اصلاح نمادین" است که تغییر واقعی در جهت دستیابی به برابری را به تأخیر می‌اندازد». برخی محققان استدلال می‌کنند که رویکرد رادیکال «حرکتی واپس‌گرایانه است که گروه‌های فاقد قدرت را بیش از پیش تقسیم می‌کند. کوکبرن معتقد است که اگرچه رویکرد رادیکال ممکن است موقعیت نسبی یک گروه محروم را بهبود بخشد، اما تضمین‌کننده تغییر در ماهیت سازمان‌های مبتنی بر تبعیض جنسیتی نیست.

**کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!**

**اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!**

**از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!**



## حذف یارانه و افزایش قیمت دارو به قیمت جان

صادق



این روزها تهیه دارو و تامین هزینه آن به دغدغه های اکثر بیماران تبدیل شده است. قیمت دارو در اثر حذف یارانه آن یا بقول دولتمردان و شرکا آزاد سازی قیمتها، مصیبت تازه‌ای را بر مصیبت‌های پیشین مردم افزوده است.

رسانه ها از ده برابر شدن قیمت دارو و کم یاب شدن دارو و سرگردانی مردم برای پیدا کردن داروی بیماری های مختلف خبر می دهند.

مقامات دولتی ادعا می کنند افزایش قیمت داروها توسط تامین اجتماعی و شرکتهای بیمه دیگر پرداخت می شود، اما همزمان اعلام می شود شرکتهای بیمه توان پرداخت هزینه‌های دارو را بعد از افزایش شدید قیمت دارو ندارند و نگران ورشکستگی هستند. یکی از مسئولین شوراهای اسلامی نیز از له شدن کارگران و بازنشستگان زیر بار گرانی دارو و مخاطراتی که از بابت آن برای بیماران بوجود می آورد صحبت کرد.

روزنامه دیگری در گزارشی که به گرانی شدید قیمت دارو اختصاص داد نوشت از هر ۱۰ بیمار که برای خرید دارو به داروخانه ها مراجعه می کنند، ۳ نفر به علت نداشتن امکان پرداخت پول دارو از خرید داروهای مورد نیاز خود صرفنظر می کنند. اما نوشت بعد از آن چه بر سرشان آمده یا می آید.

سیاست گذاران و مقامات حکومتی که خود مسئولیت اصلی در گرانی ها را دارند، سعی می کنند با فریبکاری مسئولیت کاری را که با مرگ و زندگی بیماران ارتباط دارد، به قاچاق و دزدی دارو در بیمارستان ها نسبت دهند و برای اینکه نشان دهند ادعای شان درست است چند گزارش در این ارتباط هم منتشر کرده‌اند. با این وصف ادعاهای آنان را مردم باور نمی کنند و بقول معروف حنای شان برای مردم رنگ ندارد. نه اینکه قاچاق و دزدی وجود ندارد، چرا این ها هم وجود دارد اما تأثیرشان فرعی است و علت اصلی وجود چنین پدیده هایی به سیاستهای مقامات و نهادهای حکومت ارتباط دارد. قاچاق و دزدی علت نیست، معلول هستند. در مملکتی که فساد، در میان دولتمردان نهادینه شده و سرنخ قاچاق در دست وابستگان به قدرت است، قاچاق دارو هم پدیده ای غیر معمول نیست.



گرانی دارو در واقع از پیامدهای ناگزیر سیاست شوک درمانی و آزاد سازی قیمت هاست که نتیجه آن تا کنون فقط خالی شدن سفره‌های مردم از نان نبوده است، بلکه باعث درد و رنج و مرگ مردمی که قدرت پرداخت هزینه دارو و درمان خود را ندارند هم می شود. تظاهرات مادران و خانواده های بیمارانی که فرزندان و یکی از اعضای خانواده شان دچار بیمارهای خاص هستند، یا بیماران سرطانی، یا بازنشستگانی که هر هفته برای درمان رایگان جمع می شوند و همین گزارشهایی که برخی از رسانه ها از اعتراض مردم از گرانی دارو منتشر می کنند، از پیامدهای همین سیاست آزاد سازی قیمت‌هاست. سیاستی که اکثریت مردم از آن دچار رنج و عذاب می شوند و اقلیتی شاد و ثروتمند و بهایی که اکثریت مردم بابت آن باید بپردازند برایشان اهمیتی ندارد.

چنین وضعیت و جامعه‌ای را البته می شود به کمک سرکوب و تبلیغات برای مدت کوتاهی منفعل نگاه داشت واز شورش مردم اش جلوگیری کرد، اما در دراز مدت نه نمی شود، همه چیز را به نام آزاد سازی قیمت‌ها گران کرد و هزینه های زندگی را چند برابر بالا برد، در همان حال در یک بازه زمانی ۱۰ ساله ۴۰۰ درصد قدرت خرید طبقه کارگر و زحمت کش را تقلیل داد و درست در اوج پیشبرد جنون آمیز سیاست شوک درمانی و ده برابر کردن قیمت دارو، همچنان از افزایش دستمزد کارگران و حقوق بگیران متناسب با هزینه های زندگی به بهانه های مختلف طفره رفت. طبق محاسبات تعدادی از روزنامه ها، برای جبران ۴۰۰ درصدی که طی ده سال گذشته از قدرت خرید کارگران کاسته شده، دستمزد و حقوق کارگران بایستی اکنون بیش از ۴۲ میلیون باشد. نه ۱۱ میلیون! ارزش دستمزدها هم اکنون نیز با شتاب به مراتب بیشتری از گذشته در حال سقوط است و در همان حال هزینه های زندگی نیز روز به روز بیشتر می شود. آیا مقامات دولتی نمی فهمند باید تعادلی بین دستمزدها و هزینه ها بوجود بیاید؟

چرا می فهمند، ولی تا وقتی که کارگر اعتراض نکند و اعتراض جمعی و وسیع و سازمانیافته نباشد به حساب اینکه کارگر آن را به هر شکلی که شده تحمل می کند، دنبال برقرای تعادل نمی روند. مشکل اصلی این است که رفع آن پیش از دولت و کارفرما در دست خود کارگر است. تا وقتی وضع به همین گونه که هست باشد تعادلی هم برقرار نخواهد شد. زمان آن است که طبقه کارگر برای احقاق حق خود متحد و متشکل وارد میدان شود. درخواست افزایش دستمزد به تنهایی دیگر جوابگو نیست. باید درخواست توقف آزاد سازی قیمت‌ها، احیای یارانه ها و توقف سیاست شوک درمانی را هم توأم با درخواست افزایش دستمزد و حق تشکل پیش برد.

**علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تامین اجتماعی، برای برخورداری از قانون کار  
جامع متحدانه مبارزه کنیم!**

**ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!**

**به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته  
باشند!**



## تامین اجتماعی فراگیر هدف یا فریب؟

امید



از مدتی پیش نشست‌هایی با عنوان "گفتمان سازی عدالت اجتماعی فراگیر" ظاهراً برای بحث و بررسی راه‌های استقرار تامین اجتماعی فراگیر از طرف وزارت کار شروع شده است. روز گذشته چهارمین نشست آن تحت عنوان 'فقرزدایی و رفاه در جغرافیای ایران برگزار شد. در این نشست بیشتر در مورد علل فقر در مناطق روستایی که دیگر قابل کتمان نیست صحبت شد بدون اینکه معلوم کنند، کی می‌خواهند با فقر فزاینده در مناطق محروم روستایی که حتی خیلی جاها مدرسه ابتدایی هم ندارند مبارزه کنند. در حالی که یکی از شرکت‌کنندگان تامین اجتماعی را در مهار تورم خلاصه کرد.

نشست اول با عنوان «افق‌گشایی موضوع فقر»، نشست دوم با عنوان «فقرزدایی و رفاه در آینده سلامت»، نشست سوم با عنوان «فقرزدایی و رفاه در آینده آموزش» چهارمین نشست علمی با عنوان «فقرزدایی و رفاه در جغرافیای ایران» برگزار شد.

تعدادی از مدیران و کارشناسانی که همگی متصدی پست‌های مدیریتی دولتی یا مرتبط با سازمانهای دولتی هستند نظرات خود را در مورد موضوع نشست چهارم بیان کردند.

ایلنا اسامی و مشاغل شرکت‌کنندگان دستچین شده در این نشست را به این شرح گزارش کرد: «حامد قادرمرزی» مدیرعامل صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر، «ابراهیم صادقی فر» رئیس موسسه کار و تامین اجتماعی، «کوثر کریمی پور» مدیر سیاستگذاری اجتماعی در یونیسف، «حبیب جباری» معاون امور برنامه ریزی، نظارت و آمایش سرزمین سازمان برنامه و بودجه کشور، «محسن مردعلی» عضو هیئت مدیره و جانشین مدیرعامل بنیاد علوی و «محمد رضا سپهری» پیشکسوت حوزه بازارکار در موسسه کار و تامین اجتماعی در این نشست حضور یافته و سخنرانی کرده‌اند.

همه ی سخنرانان در بحث‌هایشان مسائلی را در این زمینه عنوان کرده‌اند که برای افراد علاقمند به موضوع تامین اجتماعی نا شناخته نیستند.

هیچ یک از شرکت‌کنندگان در این نشست اشاره‌ای به اینکه با وجود ۴۶ سال از گذشت انقلاب چرا بیش از سه چهارم جمعیت کشور زیر خط فقر و یا فقر مطلق بسر می‌برند یا سبب اینکه چرا با وجود وعده‌های رنگارنگ رفاهی به محرومان در هنگام انقلاب تعداد محرومان و فقرا بیشتر شده است و چرا مسئولین حکومتی این قدر دیر به فکر طرح تامین اجتماعی فراگیر آن هم در حد گفتمان افتاده‌اند اشاره ای نکرده‌اند؟

ترکیب و موقعیت شغلی شرکت‌کنندگان و سطح دانش آنان از مقوله تامین اجتماعی البته به نظر می‌رسد علت اصلی باشد. به همین جهات انتظار هم نمی‌رود که هدف واقعی سازماندهندگان از گفتمان عدالت اجتماعی استقرار نظام تامین اجتماعی باشد. سوابق مدیریتی سخنرانان هم نشان نمی‌دهد که گردانندگان و شرکت‌کنندگان اراده و حتی تمایلی برای استقرار نظام عدالت اجتماعی فراگیر داشته



باشند. وضعیت فلاکت‌بار سالهای اخیر تامین اجتماعی که وزرا و مدیران ارشد دولتی در پیدایش آن نقش تعیین کننده به عهده داشته‌اند و هم چنین تغییرات منفی انجام شده در قوانین کار و تامین اجتماعی. به اضافه رفتار مدیران وزرات رفاه و تامین اجتماعی با بیمه کارگران کارگاه های کوچک، کارگران ساختمانی و قضایای حقوق و دستمزد کارگران و بازنشستگان که همگی در جهت بی خاصیت کردن همین تامین اجتماعی نیمه بند هستند هیچ کدام نشان نمی دهند که اساسا تشکیل این جلسات تشریفاتی ارتباطی با تامین اجتماعی فراگیر داشته باشند. عدم حضور کارشناسان غیر دولتی و غیر خودی در این نشستها که هم نسبت به بی عدالتی ها علیه کارگران و بازنشستگان و محروم شدگان و سیاستهایی فقرآور حکومت انتقاد دارند و هم حرفی در این عرصه برای گفتن دارند، دلیل دیگری است که جدی بودن این هدف را زیرا سوال می برد. به گران سازی دارو و درمان که بایستی رایگان باشند، به برخورد با حقوق معلولین، به افزایش ندادن دستمزدها و دهها مورد دیگر اگر نظر کنیم مطمئن خواهیم شد، که هدف چنین نشستهایی همه چیز می تواند باشد الا سازماندهی تامین اجتماعی فراگیر

اکثر مردم در زمان انقلاب که دنبال خمینی و روحانیون راه افتادند، تصورشان این بود که روحانیون چون اهل دین و دیانت هستند، اهل دروغ و فریب و اختلاس و دیکتاتوری و پی کسب ثروت نیستند، اما ۴۵ سال حکومت خمینی و روحانیون نشان داد که حکومت فقها در بی عدالتی و جنایت و دروغ و فریب و ثروت اندوزی و اعمال پلید دیگر سرآمد روزگار هستند. هنوز هم مدیران دولتی گویا تصور می کنند با استفاده از همان روشهای ۴۵ سال پیش می تواند مردم را فریب بدهند و راهنمای چپ بزنند ولی به راست بیچند. انگار نشنیده‌اند که بازنشستگان، یا آن جوانان ۴۵ سال پیش امروز، شعار می دهند (وعده وعید کافیه، سفره ی ما خالیه) ۴۵ سال به مردم وعده رفاه و تامین اجتماعی دادید و خلاف آن عمل کردید کافی نیست، که باز هم مردم را به آینده نامعلوم حواله می دهید؟



با اعمال قانون آزادی مشروط ، رسول بداقی روز گذشته از زندان اوین آزاد شد

رسول بداقی در اردیبهشت ۱۴۰۱ همراه با گروهی از فعالین صنفی معلمان، اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و فعالین کارگری بازداشت و همگی با احکام ظالمانه زندانی شدند

داود رضوی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد، فعالین کارگری ریحانه انصاری نژاد و آنیشا اسدالهی در همین پرونده محکوم بودند که همچنان ظالمانه زندانی هستند

همچنین در همین پرونده دو تن اعضای سندیکای "نیروی کار" فرانسه، سیسیل کوهلر و ژاک پاریس از اردیبهشت سال ۱۴۰۱ ظالمانه زندانی می‌باشند





سندیکای کارگران شرکت واحد با ابراز خشنودی از آزادی فعال صنفی معلمان رسول بدایقی، ادامه زندان داود رضوی، ریحانه انصاری نژاد، آنیسا اسدالهی، سیسیل کوهلر و ژاک پاریس را محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط آنان می‌باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

بهمن ۱۴۰۳ ۱۵



، کنفدراسیون عمومی (CFDT) پنج سندیکای کارگری بزرگ فرانسه، کنفدراسیون دموکراتیک فرانسوی کار و اتحاد ملی (Solidaires)، اتحاد سندیکایی همبستگی (FSU)، کنفدراسیون متحده سندیکایی (CGT) کار، خواستار آزادی فوری سه شهروند فرانسوی زندانی در ایران شده‌اند (UNSA) سندیکاهای مستقل

است و ژاک (FNEC FP-FO) «سیسیل کوهلر عضو «فدراسیون ملی آموزش و فرهنگ نیروی کار فرانسه می‌باشند. سیسیل کوهلر و ژاک (SNFOLC) پاریس، دبیر کل سابق همین سندیکا در بخش آموزش پاریس از ماه مه ۲۰۲۲ و اولیویه گرونو از اکتبر همان سال در شرایطی غیرانسانی در ایران در بازداشت به سر می‌برند. این سندیکاهای کارگری با حمایت از تلاش‌های خانواده‌های این سه زندانی، از کارزارهای آنان برای آزادی عزیزانشان پشتیبانی می‌کنند.

در همین راستا، تجمع‌هایی اعتراضی در شهرهای مختلف فرانسه، از جمله پاریس، نانت، رن، مون‌پلیه، نانت، و دیگر مناطق، در روزهای ۳۱ ژانویه و ۱ فوریه برگزار شد.

با گذشت ۱۰۰۰ روز از بازداشت سیسیل کوهلر و ژاک پاریس و ۸۴۳ روز از بازداشت اولیویه گرونو، سندیکاهای کارگری فرانسه هشدار می‌دهند که زندگی این سه شهروند در خطر است و بر آزادی فوری و بی‌قید و شرط آنان پافشاری می‌کنند.

**کلیه فعالین کارگری و مدنی و زندانیان عقیدتی و سیاسی آزاد باید گردند!**

**به امید برقراری عدالت در ایران و جهان**

**چاره کارگران و زحمتکشانشان وحدت و تشکیلات است**

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه



خانواده‌ی حادثه‌دیدگان طبس: تأمین اجتماعی دوره بیماری را قطره‌چکانی می‌دهد/ نگران قطع مقرری هستیم

خانواده‌ی حادثه‌دیدگان طبس گفتند: تأمین اجتماعی هر ماه باید مبلغی به عنوان غرامت دوره بیماری پرداخت کند، درحالی‌که این مبلغ را با تاخیر بسیار و تنها برای یک ماه پرداخت کرده است.

جمعی از خانواده حادثه‌دیدگان معدن طبس در گفتگو با خبرنگار ایلنا، از عدم پرداخت غرامت دوره بیماری حادثه‌دیدگان این معدن خبر دادند و گفتند: تأمین اجتماعی، تنها غرامتِ ماه مهر را پرداخت کرده است؛



بازنشستگان مخابرات ایران، دوشنبه ۱۵ بهمن ماه، در تهران، کردستان، فارس، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، ایلام، اصفهان، کرمانشاه، خوزستان، لرستان، مازندران، گیلان، زنجان، چهارمحال بختیاری و برخی دیگر از استان‌ها تجمع کردند. عدم اجرای بدون تنزل آئین‌نامه رفاهی ۸۹، عدم اجرای ماده ۹ قرارداد واگذاری سهام مخابرات از سازمان خصوصی‌سازی به شرکت مخابرات ایران، فریز مطالبات، افزایش سهم بیمه تکمیلی بازنشستگان از ۲۰ درصد به ۵۰ درصد و عدم تسویه هزینه‌های درمان توسط بیمه معلم و دانا از جمله مطالبات این بازنشستگان است.



عتصاب کارگران شرکت چرخشگر تبریز

کارگران این کارخانه در اعتراض به خلف وعده مدیر کارخانه برای عملی کردن خواسته های شان و قطع اضافه کاری بعد از ظهر ها اعتصاب کردند. مدیر کارخانه قبلا ۱۰ روز مهلت گرفته بود به خواسته های کارگران رسیدگی کند، اما بجای رسیدگی برا فشار آوردن به کارگران اضافه کاری آنها را قطع کرد



اعتراضات کارگران شرکت‌های نفتی و گازی همچنان ادامه دارند

و چند سکوی فرعی دیگر در (Q1) چهاردهم بهمن ماه همکاران ارکان ثالث در سکوهای نفتی کیو وان اعتراض به رای ۳۱۸۸ و اجرای نادرست و ناقص طبقه بندی مشاغل، دست به تجمع اعتراضی زدند. یک خواست مهم همکاران ارکان ثالث اجرای کامل طرح

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) ضمن گزارش این خبر حمایت خود را از اقدام آگاهانه همکاران در سکوهای نفتی اعلام کرده و همه بخشهای نفت را به پیوستن به این اعتراضات فراخوانده است

طبقه بندی مشاغل و افزایش حقوقها متناسب با افزایش نرخ تورم و نرخ سبد معیشتی است

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در کنار همکاران ارکان ثالث ایستاده و از اعتراضات این همکاران قویا پشتیبانی میکند

**کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!**

**اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!**

**از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!**

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**